



یادداشت

حسن احمدی فرد

### موریانه‌های تفاوت و تبعیض

با امکان جدیدی که شبکه ایکس ایجاد کرده دوباره موضوع اینترنت سفید داغ شده است

شبکه‌اجتماعی ایکس یا همان توئیتر، امکانی را فعال کرده که در آن، کاربران دیگر نمی‌توانند اطلاعات مکانی اکانت خود را مخفی کنند؛ به این معنا که بعد از این معلوم است که هر بزرگوارِ، پستی که نوشته را از اینترنت چه کشوری فرستاده به این شبکه جهانی، حالا از آنجایی که این شبکه هم مثل تلگرام و اینستاگرام، مدت‌هاست که فیلتر شده، ما شهروندان معمول، چنانچه تمایلی به حضور در این شبکه نداشته باشیم، به ناچار باید دست به دامن فیلترشکن‌ها بشویم و با دور زدن دور دنیا، از طریق اینترنت یک ناکجا آبادی، خودمان را وصل کنیم به شبکه جهانی. اما این وسط مدتی است (برای خیلی‌ها مدت‌هاست) صحبت از سیمکارت‌هایی است که اینترنتشان مثل اینترنت همه‌اهل عالم، بدون فیلتر، یابه‌قول مصطلح، سفیداست. این سیمکارت‌ها عموماً بین سیاسیون و اعوان و انصارشان پخش شده و در همان حالی که من و شما، گاه حتی برای وصل شدن به شبکه شاد و پیگیری درس و مشق کودکانمان مشکل داریم، آن بزرگوارها، اینترنت روان پرسرعت بی‌دست‌اندازی در اختیار دارند و از همان‌ها هم، روش، مشش‌های محکمی به‌دهان استکیار جهانی می‌کوبند. حالا به روزرسانی تازه شبکه اجتماعی ایکس، عملاً نشان می‌دهد کدام اکانت‌ها از این سیمکارت‌ها در اختیار دارند و کدامشان نه.

از دیروز که این امکان، فراگیر شده، موجی از معرفی اکانت‌های رانت‌خوار به راه افتاده و تقریباً یکی از سیاسیون نمانده که از این سفره پهن، برای خودش لقمه نگرفته باشد؛ از سعید جلیلی و حمید رسایی تا فاطمه مهاجرانی و حسام‌الدین آشنا.

\*\*\*

مسئولان محترم خیال می‌کنند تعجب کرده‌ایم؟ به جان عزیزشان قسم، نه، یعنی اگر خیال کنند که ما از اینکه آن‌ها با گوشی آیفون و اینترنت سفید مشغول رصد و پایش توطئه‌های جهانی بوده‌اند، ذره‌ای متعجب یا خدای نکرده دلخور شده‌ایم، مدیون ما هستند. چرا باید تعجب کنیم یا دلخور بشویم؟ سفره‌ای است که پهن است؛ کی بخورد بهتر از شما؟ به لطف آن نماینده هم‌استانی، حالا از وجود خطی مطلعبم در تهران به نام «خط ویژه»؛ خط ویژه امکانی است که برای پاره‌ای از مسئولان فراهم است و کیست که نداند هر مسئولی، قائم‌مقامی دارد و معاونی؛ رئیس شورای مشاوران دارد و مدیرکل حوزه ریاست؛ رئیس دفتر و کارمند و آبدارچی؛ کیف‌کش و دربارکن و کوروش‌وروشچی؛ پس این طوری می‌شود که کناردستی از خط ویژه رفت و آمد می‌کند و ما می‌مانیم و ترافیک و اعصابی که خرد خاکشیر شده.

بچه که بودیم، توی صف نان‌نواپی، همیشه کسانی بودند که بی‌توجه به صف دور و دراز، نانشان را آسان و بی‌دغدغه می‌گرفتند و می‌رفتند پی کارشان؛ بزرگ که شدیم فهمیدیم، همه مملکت یک صف نان است که عده‌ای می‌توانند آسان و بی‌دغدغه بیایند و نانشان را بگیرند و بروند.

حالا هم شما نانتان را بگیرید و بروید؛ ما همچنان در صف ایستاده‌ایم. شما با گوشی آیفون و اینترنت سفید، پستانان را در شبکه ایکس بگذارید و مراقب باشید ما از راه به در نشویم؛ ما هم هر طوری باشد با همین فیلترشکن‌هایی که از اصحاب و اذنابتان خریده‌ایم کار خودمان را راه می‌اندازیم. شما از خط ویژه بروید؛ ما حالا حالاها در این ترافیک اسیریم.

\*\*\*

با همه این‌ها بار کنید نه اینترنت سفید برای این مردم انقلابی متعهد آن قدرها مهم است و نه خط ویژه. یقین داشته باشید این درخت تناور، سرماهای زمهریر فراوانی را تاب آورده و باز هم تاب خواهد آورد؛ گرماهای سوزان زیادی را از سر گذرانده و باز هم خواهد گذراند؛ اما همین موریانه‌های تفاوت و تبعیض، تنه‌اش را آرام آرام خواهند خورد... تجربه نشان داده این دودسته کردن مردم، دودسته کردن جامعه، هر انقلابی را می‌تواند از پا دریاورد.

#### فراخبر

لاریجانی پس از پزشکیان و قالیباف سومین مقام بلندپایه ایرانی است که پس از جنگ ۱۲روزه به اسلام‌آباد سفر می‌کند

## ایران و پاکستان، ایستاده پای روابط راهبردی

**محمد ابراهیم صابری، سردیر خبرگزاری وفاق تایمز پاکستان** | کمتر از

یک ماه پس از سفر دکتر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی به پاکستان و تنها چند هفته پس از سفر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور کشورمان در بحبوحه جنگ ۱۲روزه به اسلام‌آباد، اکنون سفر علی لاریجانی، دبیر شعام به پاکستان در مقطعی انجام می‌شود که روابط تهران – اسلام‌آباد پس از جنگ ۱۲روزه وارد مرحله‌ای جدید و مستحکم شده است. این واقعیت را هم در واکنش‌های سیاسی دو کشور دیدیم و هم در رفت‌وآمدهای دیپلماتیک چند هفته گذشته؛ از سفر وزیر کشور پاکستان به تهران گرفته تا دیدارهای متقابل مقامات ایرانی در اسلام‌آباد. همگی نشانه یک واقعیت روشن‌اند: روابط ایران و پاکستان پس از جنگ ۱۲روزه دیگر شبیه گذشته نیست؛ عمیق‌تر، امنیتی‌تر و مؤثرتر شده است.

سفر لاریجانی اما یک نکته مهم‌تر هم دارد؛ زمان انجام آن. این سفر درست در شرایطی صورت می‌گیرد که در ماه‌های اخیر تنش میان پاکستان و افغانستان به اوج خود رسیده و عملاً منطقه در وضعیت حساس قرار دارد. ایران از ماه‌ها پیش اعلام کرده برای حل و فصل اختلافات کابل و اسلام‌آباد آماده میانجی‌گری است و حتی کنفرانسی با محوریت همین تنش‌ها قرار است در روزهای آینده در تهران برگزار شود. روشن است که سفر لاریجانی بخشی از همین پازل میانجی‌گرانه تهران است.

از سوی دیگر، موضوع توافق‌های امنیتی و دفاعی میان پاکستان و عربستان نیز در دستور کار راین‌های اخیر قرار داشته است. تهران نیز در سفر قالیباف و همچنین مواضع چهره‌هایی مانند محسن رضایی یا شمخانی اعلام کرده آماده مشارکت در هر سازوکار امنیتی منطقه‌ای است؛ سازوکاری که بتواند در برابر تهدیدهای مشترک، نظم تازه‌ای در جهان اسلام ایجاد کند. سفر

کارشناسان معتقدند طرح مسئله توان موشکی ایران بهانه‌ای است برای به شکست کشاندن گفت‌وگوی احتمالی

# موضوع غیرقابل مذاکره



**پس از موضوعات هسته‌ای و موشکی، واشنگتن قطعاً به سراغ «محور مقاومت»، «حقوق بشر» و ده‌ها بهانه دیگر خواهد رفت تا گام به گام زمینه فشار و امتیازگیری را افزایش دهد**

در گفت‌وگو با دو کارشناس برجسته حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی، همین خط‌قرمز را به بحث گذاشته‌ایم.

■ **طرح توان موشکی، بهانه‌ای است برای امتیازگیری**

جواد منصوری، کارشناس ارشد مسائل بین‌الملل و دیپلمات سابق کشورمان در گفت‌وگو با روزنامه قدس، به بررسی بی‌نتیجه بودن مذاکره با دولت آمریکا و قابل اعتماد نبودن آن در شرایط کنونی پرداخت. وی با اشاره به تجربه‌های گذشته ایران در مذاکره با دولت‌های مختلف آمریکا، اعتماد به ایالات متحده را به‌ویژه در دولت کنونی غیرممکن دانست و تأکید کرد: چنین مذاکراتی تنها موجب سردرگمی و اتلاف وقت خواهد شد. او تصریح کرد: اساساً وقتی که ما در مورد مذاکره با آمریکا صحبت می‌کنیم، باید ابتدا نتیجه قابل قبول و قابل اعتمادی را از چنین مذاکره‌ای مشخص کنیم. چگونه می‌توانیم به مذاکره با کشوری اعتماد کنیم که خود سال‌ها در هر مذاکره‌ای،



واقعیتی دیگر نیز وجود دارد که ناخوشایند است و تأسف‌بار! و آن میل سیری‌ناپذیری است که در ضایع کردن آثار، فرایندها و موقعیت‌های قهرمانانه و حتی شخص قهرمان وجود دارد! بله، این یک واقعیت است که متأسفانه در سطوح مختلف اجتماعی، از لایه‌های عمومی تا ساختارهای حاکمیتی، ساری و جاری است؛ برای تأیید این ادعا یک مثال خیلی به‌روز وجود دارد که در ادامه شرح می‌دهم.

در جریان جنگ تحمیلی اخیر و خبات رژیم جنایت‌پیشه صهیونی، به جرئت می‌توان حمله به ساختمان شیشه‌ای صداوسیما را از نمادین‌ترین صحنه‌ها و البته مواجهه شجاعانه عوامل حاضر در استودیو خبر رسانه ملی به ویژه سرکار خانم «سحر امامی» را مصداق بارز یک کنش قهرمانانه دانست. پس ما در این داستان، دست‌کم یک قهرمان داریم؛ بانویی ایرانی، شجاع، با حجاب فاطمی و

تهداتش را زیر پا گذاشته و در بسیاری از موارد حتی از انجام تهدات خود در قبال ایران امتناع کرده است؟ منصوری تأکید کرد: البته همه این‌ها در چارچوب موضوعاتی است که جمهوری اسلامی تصمیم گرفته درباره آن‌ها گفت‌وگو کند و طبیعی است که توان موشکی در این چارچوب نیست و درباره آن اصلاً موضوع مذاکره، مطرح نیست. این دیپلمات ارشد سابق کشورمان معتقد است: بحث‌های اخیر در خصوص توان موشکی ایران یا محور مقاومت و حتی تغییر حاکمیت در ایران هم، تنها تلاش‌هایی است برای به انحراف کشاندن مذاکرات و تسلیم کردن ایران در برابر خواسته‌های نامشروعشان در موضوعات دیگر. آی‌امی توانیم با کشوری که در مذاکرات گذشته هیچ یک از تعهدات خود را اجرا نکرده، دوباره در دام گفت‌وگو بیفتیم؟

منصوری با بیان اینکه آمریکا سابقه زیادی در نقض توافق‌ها و اعتمادشکنی دارد، به یادآوری مذاکرات قبلی ایران با واشنگتن پرداخت و افزود: ما در گذشته با دولت‌های مختلف آمریکا مذاکره کرده‌ایم، اما حتی یک مورد از تعهدات آن‌ها عملی فصاحت زبنیی که شمه‌هایی از اساطیر ملی و اسوه‌های مذهبی را در مقیاس جهانی به نمایش گذاشت و تقریباً همه ما ایرانیان، به ایشان و آن موقعیت قهرمانانه، افتخار کرده و می‌کنیم. فارغ از کج‌سلیقگی‌های بعدی که از طرف سازمان متبوع قهرمان داستان ما اتفاق افتاد و مواردی چون «تور ساختمان شیشه‌ای» برای سفیران خارجی و... که روایت زخم و ضعف بود به جای روایت پیروزی؛ واکنش‌ها و اقدام‌هایی که در قبال این بانوی قهرمان اتفاق افتاد، در وهله نخست بسیار بجا و اثرگذار بود؛ از پیام رهبر معظم انقلاب تا تقدیر رهبران مقاومت جهانی علیه امپریالیسم...

اما این همه ماجرا نبود؛ دعوت فدراسیون کارانه از ایشان و اعطای کمربند مشکی افتخاری و مواردی از این دست، در واقع شروع همان واقعیت دوم است که مامیل سیری‌ناپذیری به ضایع کردن آثار، فرایندها و موقعیت‌های قهرمانانه و حتی

نشده است. بنابراین چگونه می‌توان به مذاکرات جدید با این کشور اعتماد کرد و چگونه می‌توان ادعای واقع‌بینی و درایت داشت؟ وی معتقد است: مذاکره با دولت فعلی آمریکا هیچ نتیجه‌ای جز اتلاف وقت و سردرگمی نخواهد داشت و در نهایت ایران باید برای مواجهه با چنین رویکردی راهکارهای عملی و مستقل خود را دنبال کند. منصوری تأکید کرد: افزایش توان موشکی حتماً یکی از همین راهکارهاست.

■ **آن‌ها به موشکی هم بسنده نمی‌کنند**

اصغر زارعی، کارشناس مسائل غرب آسیا در گفت‌وگو با روزنامه قدس با تأکید بر «بی‌سقف بودن» درخواست‌های واشنگتن در هر گونه مذاکره با تهران، تصریح کرد: آمریکایی‌ها نشان داده‌اند در هیچ مقطعی پایبند به تعهدات نبوده و اساساً صداقتی در ادعاهایشان وجود ندارد. وی با اشاره به تجربه‌های متعدد چهار دهه گذشته، گفت: از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، رهبر معظم انقلاب با راهاتاکید کرده‌اند اعتماد به آمریکا خطایی راهبردی است؛ چراکه این کشور در هیچ مذاکره‌ای رفتار قابل اتکایی از خود بروز نداده است. او بیان کرد: در جریان جنگ ۱۲روزه و حتی پنج دور مذاکراتی که پیش از آن انجام شد، با وجود هشدارهای متعدد، آمریکایی‌ها بی‌تعهدی و بی‌اخلاقی خود را به‌وضوح نشان دادند و امروز برای همه جهانیان ثابت شده که کاخ سفید طرف قابل اعتمادی نیست. این کارشناس غرب آسیا با مرور برخی سوابق تاریخی دخالت‌های آمریکا در منطقه، از عراق و لیبی تا افغانستان، یادآور شد: در تمام این موارد، واشنگتن تنها یک هدف داشته: تسلیم کردن طرف مقابل و تحمیل اراده خود. آمریکانه شریک می‌شناسد و نه متحد؛ بلکه تنها به سلطه و تبعیت کامل دیگران می‌اندیشد.

زارعی افزود: امروز نیز همان الگو دنبال می‌شود. ابتدا تلاش می‌کنند غنی‌سازی ایران را به صفر برسانند و پس از آن، پرونده موشکی را باز کنند. طرح‌هایی نظیر قرار دادن ایران تحت معاهده‌ای مشابه آن پی‌تی دقیقاً با همین هدف دنبال می‌شود تا حتی برد موشک‌های ایران را به ۲۰۰ تا ۵۰۰ کیلومتر محدود کنند؛ اما طبعاً این سقف هم پایان کار نخواهد بود و آن‌ها به دنبال توقف کامل صنایع موشکی، فعالیت‌های تحقیق و توسعه و حتی مطالعات دفاعی کشور هستند.

به گفته وی، پس از موضوعات هسته‌ای و موشکی، واشنگتن قطعاً به سراغ «محور مقاومت»، «حقوق بشر» و ده‌ها بهانه دیگر خواهد رفت تا گام به گام زمینه فشار و امتیازگیری را افزایش دهد. این کارشناس با اشاره به رفتار آمریکا با متحدان خود نیز تأکید کرد: کافی است وضعیت امروز اوکراین را ببینید؛ کشوری که واشنگتن آن را به میدان جنگ کشاند و اکنون در مذاکرات پشت پرده با روسیه، بخش‌هایی از خاک اوکراین را به‌عنوان بهای صلح و آگذار می‌کند. آمریکا حتی برای نزدیک‌ترین متحدانش هم ارزشی قائل نیست، چه برسد به کشور مستقلی چون ایران.

وی تصریح کرد: جامعه و دستگاه دیپلماسی ایران باید از این تجربه‌ها درس بگیرد. فریب لب‌خندهای دیپلماتیک و وعده‌های پوشالی آمریکا را نباید خورد؛ زیرا اساساً بنیان رفتار این کشور بر فریب، سلطه و بده‌بندی است.

شخص قهرمان داریم: امری که شاید ریشه در ساختار دیوان سالارانه و مناسبات قدرت دارد که فعلاً ورودی به آن نخواهیم داشت. اما در روزهای اخیر، خبر ساخت فیلم سینمایی مربوط به قهرمان محترم داستان ما فراگیر شده و نگرانی‌ها را بیش از پیش جدی می‌کند. در حالی که هنوز حرارت آتش در ساختمان شیشه‌ای فرونشسته، لیدسوزانی که ان‌شاءالله دغدغه آن‌ها روایت پیروزمندانۀ زندگی یک قهرمان است، از تصمیم خود رونمایی کرده و حالا اسامی بازیگران و تیم تولید فیلم، این نگرانی را بیش از پیش جدی می‌کند؛ قصه چیست؟ فیلم‌نامه چه روایتی دارد و اصولاً ظرفیت روایت قهرمان را دارد یا نه؟ پرسش‌هایی است که پاسخ مثبت به آن‌ها، نیازمند حجم زیادی از خوش‌بینی مبتذل به سازوکار سفارشی‌سازی است که نمونه‌های ناموفق پرشماری از آن را دیده‌و به‌احتی فراوانش کرده‌ایم.

#### فراخبر

عالی‌ترین مقام نظامی حزب‌الله لبنان در حمله هوایی رژیم‌صهیونی به‌شهادت رسید

## ترس اشغالگران از نفوذ تهران در مدیترانه

پیام عراقچی بیانگر مناسبات جدی میان طرفین با وجود مانع‌تراشی‌های دشمنان است. روابط تاریخی ایران و لبنان طی قرن بیستم به طور قابل توجهی افزایش یافته است. این روابط ابتدا به صورت حداقلی در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، از طریق تبادل فرهیختگان و سپس به طور قابل توجهی پس از انقلاب اسلامی از طریق هماهنگی با حزب‌الله در راستای مقابله با رژیم صهیونیستی صورت گرفت. بر این اساس جمهوری اسلامی همواره در خدمات اجتماعی، آموزش، اقتصاد و سیاست لبنان تأثیر قابل توجهی داشته و از سوی دیگر نزدیکی بیروت به تهران دسترسی به مدیترانه و همچنین نفوذ منطقه‌ای تا پشت مرزهای رژیم اسرائیل را فراهم می‌کند.

با این حال از آغاز سال ۲۰۲۵ و به اوج رسیدن جنایت‌های رژیم صهیونیستی در منطقه، تضعیف چشمگیر نفوذ ایران در لبنان از سوی دشمن به عنوان یک هدف‌گذاری مهم مد نظر بوده است. به نظر می‌رسد دشمن در پی طراحی نوعی نقشه ژئوپلیتیک سیاسی برای کاهش نفوذ ایران در منطقه مدیترانه است و در مقابل سعی دارد با کاهش نفوذ حزب‌الله و مقاومت، نقش بیشتری برای نفوذ اسرائیل در منطقه فراهم آورد. در راستای همین هدف، رژیم صهیونیستی پس از ناکامی در از بین بردن مقاومت در فلسطین، به تشدید تنش در مرزهای جنوبی لبنان روی آورده و تلاش دارد نفوذ نظامی خود را بر منطقه تحمیل کند. در مقابل حزب‌الله با وجود تأکید بر حفظ سلاح، در پی وحدت با دولت مرکزی لبنان و حفظ منافع ملی است. با این تعبیر مقاومت اسلامی در لبنان به مقاومت ملی هم تبدیل شده و حمایت همه طیف‌ها را دارد؛ مقاومتی که با حفظ رابطه قوی و همیشگی با ایران حاصل شده و ادامه خواهد یافت.